

**Childbearing Rights of Couples in View of Jurists with an  
Emphasis on Imam Khomeini's Opinion**

Zahra Vatani<sup>1</sup>

DOI: 10.22034/MATIN.2021.265784.1813

**Abstract**

Research Paper

Childbearing is a natural practice by man and it is not limited to certain time, place or individual. For various reasons, the term is normally referred to as "the right of having child" in related texts. But first, evidence on legal duty of such practice is not certain in the language of the legislator. This exposes defining the nature of childbearing to challenges since legislator has not provided such definition. Secondly, presuming legality of the issue, its limits, degree of choice by individuals in enjoying or not enjoying such right, contradiction in will of childbearing by couples, etc. have not been put on paper. This descriptive-analytical research study first reviews the possibility of the duality of nature of "childbearing", studies the conditions of each one of the couples independently, in terms of deserving such right, its longitudinal and latitudinal aspects, will of the couples, situation resulting from contradiction in will of the couples to have a child, in view of jurists and religious texts. Findings of this research study indicates that despite emphasis of some jurists on the right of women in claim of offspring, no obligation of parties to everything accompanying it, preference of the will of husband in presumed contradiction, it is difficult to prove childbearing is a "right of woman". Apparently religious texts in alleged proof of attributing such rights for woman, considers it a right of man in the course of the right and practice of childbearing.

**Keywords:** Imam Khomeini, childbearing right, natural rights, childbearing, dismissal.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

---

1. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Principles of Law and Imam Khomeini's Thought, Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution, Tehran, Iran.

E-mail: [vatani@ri-khomeini.ac.ir](mailto:vatani@ri-khomeini.ac.ir)

 0000-0001-5750-4654

## حق فرزندآوری زوجین از دیدگاه فقها با تأکید بر آرای امام خمینی (ره)<sup>(۵)</sup>

زهرا وطنی<sup>۱</sup>

DOI: 10.22034/MATIN.2021.265784.1813

مقاله پژوهشی

**چکیده:** فرزندآوری از کنش‌های طبیعی بشر و غیر محدود به زمان یا مکان یا افراد خاص است و به دلایل گوناگون در متون مرتبط معمولاً از آن به «حق فرزندآوری» تعبیر می‌شود؛ لکن اولاً فراین بر تکلیف‌انگاری آن در لسان شارع شاذ نیست و تشخیص ماهیت «زادآوری» را که مسکوت قانون‌گذار است دچار چالش می‌کند و ثانیاً با فرض در زمره حقوق بودن، حدود و ثغور آن، میزان اختیار افراد در بهره‌مندی یا وانهادن آن، تعارض اراده زوجین و غیره منقح نشده است. این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی و با در نظر داشتن احتمال دوگانگی ماهیت «فرزندآوری»، به بررسی وضعیت هر یک از زوجین به صورت مستقل، از حیث دارا بودن این حق، طولی یا عرضی بودن اراده آن دو و وضعیت ناشی از تعارض اراده ایشان در فرزندآوری در نگاه فقها و لسان ادله شرعی می‌پردازد. مطابق یافته‌های این تحقیق، علی‌رغم تصریح برخی فقها به حق زن در استیلا، عدم التزام ایشان به لوازم آن و ترجیح اراده زوج در فرض تعارض، اثبات در زمره «حقوق زن» بودن فرزندآوری را مشکل می‌نماید. ظاهراً عبارات متون دینی نیز در فرض اثبات چنین حقی برای زن، آن را در طول حق فرزندآوری مرد قرار می‌دهد.

**کلیدواژه‌ها:** امام خمینی، حق باروری، حقوق طبیعی، فرزندآوری، عزل.

۱. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق و اندیشه‌های امام خمینی، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.

E-mail: vatani@ri-khomeini.ac.ir

0000-0001-5750-4654

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۳ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۷/۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۷/۱۴

پژوهشنامه ماتین / سال بیست و پنجم / شماره صد / پاییز ۱۴۰۲ / صص ۱۷۶-۱۴۵

**مقدمه**

وجود نمونه‌ها و مصادیق گوناگونی از «حق» و «تکلیف» برای افراد در زندگی فردی و اجتماعی اصلی مسلّم تلقی می‌شود و اصولاً بسیاری از مباحث علمی و پژوهشی پیرامون شناخت این حقوق و تکالیف شکل گرفته و می‌گیرد. در تعریف و توصیف حق و تقسیم‌بندی‌های آن مطالب فراوانی گفته شده است. بسیاری از این تعاریف صرفاً ناظر به حقوقی هستند که جامعه به انسان‌ها اعطا کرده است؛ مانند تعریف فیلسوف و حقوق‌دان آمریکایی، وزلی نیوکام هوفلد که در وصف حق می‌گوید: حق به‌طور عام و یکسان برای دلالت کردن بر نوعی مزیت قانونی اعم از ادعا، امتیاز، قدرت یا مصونیت به کار می‌رود (راسخ، ۱۳۸۱، ص. ۲۰۲) یا تعریف زرّاء که: «حق اختصاصی است که شارع بر اساس آن سلطه یا تکلیفی را مقرر می‌دارد» (زرّاء، ۱۳۴۷، ج ۳، ص. ۱۱)؛ لکن در واقع باید گفت، چنان‌که بسیاری به صواب معتقدند، حق هر فردی یا اقتضای خلقت و طبیعتش است که بر این مبنا و صرفاً به جهت انسان خلق شدنش به او تعلق یافته است یا ناشی از قرارداد و وضع قانون برگرفته از زندگی اجتماعی است. بر همین اساس محققین فن، حق را به دو دسته حق طبیعی و حق قانونی تقسیم می‌کنند. صرف‌نظر از مباحث تخصصی و تحلیل مفهومی در تفاوت یا عدم تفاوت دو اصطلاح «حق طبیعی» و «حقوق طبیعی» (فاری سید فاطمی و نیکوئی، ۱۳۹۶)، در تعریف حق طبیعی یا فطری به بیان ساده می‌توان گفت حقوق طبیعی حقوقی هستند که به قوانین یا آداب و رسوم خاصی از فرهنگ یا حکومت وابسته نبوده و با این مبنا، جهانی و انکار نشدنی هستند و در نتیجه قابلیت لغو یا محدود شدن با قوانین انسانی را نخواهند داشت. از زمره این حقوق حق خوراک، پوشاک، مسکن و تحصیل است.

فرزندآوری نیز پدیده‌ای است که انسان‌ها از امکان و قابلیت ذاتی و غیر قابل واگذاری آن برخوردارند و از سویی به مقتضای فطرت، جاودانگی را محبوب می‌دارند و فرزندآوری را راهی برای وصول به جاودانگی یا حداقل اقیانوس میل به ابدیت می‌پندارند و به همین دلیل تاریخ، هیچ گزارشی از گریز بشر از زادآوری در هیچ برهه‌ای از زمان به ما نداده است. شاید بتوان با استناد به این میل شدید، فرزندآوری را نیز از حقوق طبیعی انبای بشر قلمداد کرد؛ هرچند گاهی به این پدیده نگاهی تکلیف‌گونه شده است؛ چنان‌که برخی از فقها خودداری از فرزندآوری را حرام و شرط عدم زادوولد در ضمن عقد نکاح را شرطی باطل

تلقی کرده‌اند که صحت یا عدم صحت این فتوا مبحثی مستقل می‌طلبد. مقوله تولیدمثل به‌عنوان بخشی همیشگی از حیات انبای بشر، از جنبه‌های مختلف پزشکی، روان‌شناسی، حقوقی، جامعه‌شناسی و علوم دیگر قابل مطالعه است. ادیان مختلف نیز به این مقوله بی‌اعتنا نبوده‌اند و رویکردهایی در این خصوص اتخاذ کرده‌اند که مواضع هریک در قبال ازدواج و نکوهش یا تشویق به انجام آن و همچنین تقبیح یا تحسین فرزندآوری در رفتار پیروانشان و نیز جمعیت آنان مؤثر بوده است. گاهی نیز حکومت‌ها به اقتضای مصالح حکومتی سیاست‌های کاهش یا افزایش جمعیت پیشه کرده‌اند. علاوه بر آن، پیشرفت علم راهکارهای متفاوتی برای افرادی که به هر دلیلی از نعمت فرزندآوری محروم مانده‌اند به ارمغان آورد که بعضاً با آموزه‌های دینی و تعصبات مذهبی ناهمگون می‌نمود و این تعارضات مباحث علمی و فنی فراوانی را موجب شد؛ لکن حق دانستن فرزندآوری، از جانب بسیاری از صاحب‌نظران، توجیه‌کننده تمسک به این روش‌ها شده است. سکوت قانون در قبال این موضوع و خلأ قانون یا قوانین مرتبط و اختلاف نظر عالمان فقه در خصوص فرزندآوری و تناسل و جایگاه آن در نهاد خانواده این مسئله را تشدید کرده است. به‌هرحال آنچه در این مقال مورد توجه است شناخت ماهیت این مقوله از حیث حق یا تکلیف بودن و بازه اختیار و قدرت تصمیم‌گیری افراد در خصوص این پدیده و نیز موضع فقه در قبال مسائل گفته‌شده است.

در متون علمی موجود کتاب حق فرزندآوری زوجین اثر داوود بصارتی و مقالات «مشروعیت الزام به فرزندآوری در فقه امامیه» اثر قرا ملکی و مرتاضی و امیرپور، «واکاوی حقوق زوجه در فرایند فرزندآوری با استناد به حق سلطنت بر بدن» به تحقیق علوی قزوینی و زارع، «موجه‌سازی حق تولیدمثل و باروری انسان در قرآن» نگاشته‌شده قاننی و معینی‌فر و «آزادی اراده و سلب توانایی باروری» اثر سیفی را می‌توان مرتبط با موضوع این تحقیق دانست که به تناسب از آن‌ها استفاده شده است. از عناوین تحقیقات یادشده روشن است که تدقیق در ماهیت این مقوله که نقطه تمرکز این تحقیق است، مسئله آن تحقیقات نبوده و غالباً به جوانب دیگری پرداخته‌شده است. در سطور آتی برای تشخیص وجود یا عدم وجود حق مذکور برای هر دو یا هریک از زوجین، پس از بازشناسی مفاهیم و تبیین نامعلوم بودن ماهیت فرزندآوری، به احوالی از فقها که دلالت یا اشاره‌ای به آن دارند و سپس ادبیات قرآن

و روایات درباره این مقوله پرداخته می‌شود و در نهایت با تحلیل متون دینی، نتیجه تحقیق بیان می‌شود.

## ۱. مفاهیم

**حق:** واژه حق از واژگان پربسامد و مفهومی بنیادی در علوم انسانی است که می‌توان مشترک لفظی در دو معنای «حق بودن» و «حق داشتن» دانست؛ چه اینکه مفهوم حق در هر یک از این دو ترکیب با دیگری متفاوت است. اولی که در بسیاری از متون دینی به کار رفته است به معنای راست و صحیح بودن و باطل نبودن است که حق در این معنا مربوط به حیطة ارزش‌ها و هنجارهاست؛ در حالی که معنای دوم مقابل «تکلیف» است و بیانگر اینکه عقل یا قانون از عملی که بر اساس حق بدان اقدام شده است، حمایت می‌کند. حق در این معنا به چهار قسم ادعا، آزادی، قدرت و مصونیت تقسیم می‌شود (راسخ، ۱۳۸۱، ص. ۱۸۴).

حق در لغت در قالب صفت، مصدر و اسم مصدر به کار رفته است. کتب لغت در تعریف واژه حق نقیض باطل و صلاحیت داشتن (فراهدی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص. ۶)، اثبات کردن (طریحی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص. ۱۴۶)، ثابتی که انکار آن روا نیست (مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص. ۸۰)، اعتقاد مطابق با واقعیت، فعل و سخن مطابق واقع (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص. ۲۴۶)، ثبوت و مطابقت با واقع (مصطفوی خراسانی، ۱۹۸۸، ج ۲، ص. ۳۰۶) را ذکر کرده‌اند.

صرف نظر از تمام قیل و قال‌های لغوی و اصطلاحی، منظور از حق در این پژوهش مصداقی از مفهوم دوم و تعریفی است که برخی محققین ارائه کرده‌اند: «حق به معنای امتیازات و ویژگی‌های هر یک از افراد یک جامعه است» (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ج ۱، ص. ۴۳). امام خمینی در پی اختلاف نظر فقهای همچون خوئی (۱۴۱۲، ج ۲، صص. ۳۳۹-۳۳۸)، نائینی (۱۴۱۸، ج ۱، صص. ۱۰۷-۱۰۶)، آخوند خراسانی (۱۴۰۶، ص. ۴) و اصفهانی کمپانی (۱۴۱۸، ج ۱، ص. ۴۱) در تعریف و تبیین مفهوم اخیر از حق، حق را ملک، سلطنت و یا مرتبه‌ای از مراتب آن دو نمی‌داند بلکه آن را حکمی وضعی و اعتباری دانسته است که عقلا یا شارع اعتبار می‌کنند و ماهیت آن با ماهیت ملک تباین دارد؛ زیرا مصداقی از حق، مصداق ملک نیستند. همچنین وی با استناد به نظر عرف و عقلا مفهوم حقوق را در همه اقسام و مصداقی

آن یکسان و واژه حق را مشترک معنوی دانسته و معتقد است نمی‌توان حق را در هر مورد آن دارای مفهومی مستقل و جدا دانست (امام خمینی ۱۴۲۱، ج ۱، صص. ۴۰-۳۹).

**باروری:** باروری یا زادآوری معادل واژه رایج تولیدمثل یا زادوولد است که هر یک جای دیگری به کار می‌رود و عبارت است از ادامهٔ دودمان موجودات زنده و پدید آوردن مثل خود یا موجودی از جنس و نوع خویش. دهخدا تولیدمثل را به پدید آوردن نظیر خود معنا کرده است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۵، صص. ۷۱۵۴-۷۱۵۳). در اصطلاح پزشکی تولیدمثل فرایندی است که طی آن گامت‌های زن و مرد، اسپرم و تخمک، با یکدیگر ترکیب می‌شوند (شریفی، ناظمی و هاشمی ۱۳۸۵، ص. ۱۶۳). در متون دینی عصر تشریح واژه‌ای معادل باروری یا تولیدمثل دیده نشده است؛ اما در لسان فقها شاید بتوان واژه استیلا را معادل باروری یا تولیدمثل در زبان فارسی دانست. استیلا در لغت به معنای فرزند خواستن و طلب کردن و در فقه به معنای استعداد باردار کردن و باردارشدن هم گفته شده است (مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص. ۴۷۴) که تعریف دقیقی نیست. ذکر این نکته لازم است که در بسیاری مواقع استیلا به معنای زادوولد کنیز از مولایش استعمال شده است، چنان که مجلسی اول بدان تصریح کرده است (۱۴۰۰، ص. ۱۷۱). این معنا علی‌رغم رواج، در اینجا کاربردی ندارد. در بسیاری از استعمالات، استیلا بر احوال و زادوولد، در مقابل عقم، اطلاق شده است. در هر حال باید توجه داشت این کاربرد از این واژه به صورت مطلق است و تفاوتی میان کنیز و آزاد و یا حتی زن و مرد نیست که در سطور آتی به آن‌ها اشاره می‌شود.

**حق باروری:** تشخیص حق یا حکم بودن این مقوله محل اختلاف و نیازمند تحقیق است؛ در تعریفی آمده است: «آن اعتباری است که انسان را مسلط بر تصمیم‌گیری دربارهٔ زادوولد خود می‌کند» (قائنی و معینی فر، ۱۳۹۳، ص. ۲۰۹). در جای دیگری نیز بیان شده: «حق بر آزادی درخواست فرزندآوری و جست‌وجو برای فراهم آوردن مقتضیات آن، از جمله استفاده از روش‌های درمان ناباروری است» (راسخ و خداپرست، ۱۳۹۳، ص. ۲۷) به نظر تعریف نخست از جامعیت بیشتری برخوردار است و تعریف دوم اختیار ممانعت از بارداری را شامل نمی‌شود که البته تفاوت این دو ناشی از اختلافاتی است که به آن‌ها اشاره خواهد شد. در اینجا صرف نظر از احکام فقهی و حقوقی که به نظر می‌آید تعریف اخیر از آن اثر پذیرفته است، تعریف ماهیت این مقوله مدنظر است و لذا باید تعریف نخست را پذیرفتنی دانست.

## ۲. پیچیدگی ماهیت حقوقی تولیدمثل

پیش از بررسی متون فقهی لازم است به این نکته مهم توجه شود که این مقوله در تشخیص نهایی، چه حق دانسته شود چه تکلیف، ممکن است بازه‌های متفاوتی برای آن تعریف شود. همان‌طور که در متون مربوط مشاهده می‌شود، قائلان هر یک از این دو نظر، خود در تعیین این بازه و سعه و ضیق آن و حکم بدان، دچار اختلاف هستند.

در توضیح باید گفت در فرض حق بودن، مطابق یک تفسیر، آزادی زوجین در فرزندآوری را می‌توان صرفاً به عدم جواز ممانعت طرف مقابل یا ثالث، از جمله حکومت، از تولیدمثل ایشان دانست، نه اینکه مستندی برای اختیار آن‌ها در خودداری از زادآوری تلقی کرده و برای ایشان جواز ممانعت از زادوولد صادر کرد. بدین معنا که فرزندآوری اگرچه از سویی حق است، از بعد دیگری تکلیف است و نتیجه این دویعدی بودن ماهیت این است: فرد حق دارد صاحب فرزند شود و درعین حال تکلیف به فرزندآوری هم دارد و لزوماً باید اقدام به زادوولد کند و نمی‌تواند این حق را استفاده نشده واگذارد. چنان‌که برخی از فقها و حقوق‌دانان محدود کردن یا سلب حق فرزندآوری را صرفاً به‌طور جزئی نه کلی پذیرفته و توافق بر آن را الزام‌آور می‌دانند (صانعی، ۱۳۸۷، ص. ۹۲؛ تبریزی، بی‌تا، ج ۲، ص. ۳۳۲؛ سیفی، ۱۳۸۹، ص. ۲۹۵).

در تحلیلی دیگر که فرزندآوری صرفاً حق دانسته می‌شود و سایه‌ای از تکلیف بر آن نیست، می‌توان آن را آزادی در تولیدمثل یا خودداری از آن تفسیر کرد. بدین معنا که هیچ قانونی یا هیچ ثالثی حق ممنوع کردن و حق اجبار زوجین به فرزنددارشدن را ندارد که در این معنا صرفاً نوعی «حق منفی» است. در مقابل «حق مثبت» دانستن آن که به معنای ملزم بودن حکومت‌ها به تأمین امکانات و تسهیلات لازم جهت فرزنددارشدن زوجین به صورت طبیعی یا حتی غیر آن برای زوجینی با مشکلات باروری است. چنان‌که برخی محققین با تفکیک مراتب حق به حق آزادی و حق ادعا گفته‌اند: در حق باروری گاه می‌توان از حق به معنای ادعایی تعهدآور و گاه به معنای آزادی استفاده کرد. حق به معنای ادعای تعهدآور را حق ادعا و حق بدون ایجاد تکلیف برای دیگران را حق آزادی می‌نامند که بیان دیگری از همان تقسیم حق به مثبت و منفی است؛ بنابراین در شناخت ماهیت این حق، تشخیص حق

آزادی یا حق ادعا بودن نیز مهم است.<sup>۱</sup>

حال اگر فرزندآوری تکلیف (حکم) دانسته شود، هر نوع اقدام جهت ممانعت از تولیدمثل مخالفت با تکلیف تلقی می‌شود که طبق قاعده، حکم تکلیفی مخالفت با تکلیف، حرمت است. چنان که در فتاوی‌ای مشهور فقها عزل مرجوح و عقیم‌سازی هم مشهور به حرمت است.<sup>۲</sup>

همچنین پس از حکم به تکلیف بودن فرزندآوری باید مشخص شود که منشأ این تکلیف و هم‌چنین حکم یا احکام وضعی ناشی از این تکلیف چیست. آیا این حکم مقتضای ذات عقد<sup>۳</sup> نکاح است یا مقتضای اطلاق آن؟<sup>۴</sup> چنان که محققین مقتضای عقد را به این دو نوع تقسیم کرده‌اند (فخرالمحققین، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۱۳۲؛ حسینی مراغه‌ای، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۴۸) یا اساساً خارج از مقتضیات ذات یا اطلاق عقد بوده و تکلیف منشأ دیگری دارد. در فرض اول که فرزندآوری جزء مقتضای ذات عقد نکاح دانسته می‌شود، زادوولد بر هر دو طرف عقد لازم است؛ بنابراین در صورت خودداری هر یک از ایشان از تولیدمثل بدون

۱. در «حق آزادی» مطالبه و تکلیف، هر دو در یک شخص جمع می‌شوند و از این رو متعهدشدن دیگری در قبال حق این شخص بی‌معناست. دقیقاً به همین دلیل است که حق آزادی را گونه‌ای امتیاز خوانده‌اند؛ اما حق ادعا معنایی قوی از حق را نشان می‌دهد؛ زیرا بر اساس آن فرد واجد حق می‌تواند ادعایی دراندازد که دیگری را مکلف به برآوردن آن حق سازد. حق ادعا را حق به معنای قوی می‌نامیم؛ اما حق آزادی بیانگر معنایی ضعیف و تعدیل شده از آن است و به همین دلیل می‌توان آن را حق به معنای ضعیف نیز نامید، چرا که صاحب حق با طرح آن مخاطب را مکلف نمی‌کند بلکه آزادی خود در انجام یا ترک فعل را بیان می‌کند. این قسم درباره باروری بدین معناست که افراد آزادند به صورت طبیعی یا غیرطبیعی باروری خود را محقق کنند؛ اما دولت مکلف به برآوردن این حق نیست (ر.ک. به: راسخ و خداپرست، ۱۳۹۳، ص ۳۰).

۲. البته این نکته را نباید از نظر دور داشت که در امثال هر تکلیفی قدرت انجام شرط است و اگر فرضاً فردی توانایی نگهداری از فرزندان را نداشته باشد، تکلیف از او ساقط است.

۳. مقتضای ذات عقد یا ماهیت شرعی عقد من حیث هی و ذات بدون لحاظ امر خارجی، ماهیت مهمله، عبارت است از هر چیزی که وجود و صحت عقد متوقف به آن است به طوری که با انتفای آن ماهیت عقد نیز منتفی می‌شود (نائینی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۲۰۹).

۴. مقتضای اطلاق عقد عبارت است از هر چیزی که اطلاق عقد آن را ایجاب می‌کند. در این حالت هر چیزی که مقتضای اطلاق عقد به حساب می‌آید در صورت خالی بودن عقد از هرگونه شرط و قید به منزله تصریح آن میان متعاقدین زمان انعقاد قرارداد خواهد بود و البته با شرط خلاف آن از سوی طرفین تغییر می‌کند بدون آنکه صحت عقد مخدوش شود (نائینی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۵۱).



رضایت دیگری، اجبار مستتکف به تناسل و فرزندآوری و طرح دادخواست و دعوای الزام به وسیله طرف مقابل صحیح است. همچنین در این فرض اشتراط عدم فرزندآوری ضمن عقد نکاح یا تبانی عقد بر اساس آن باطل و مفسد عقد خواهد بود. در وضعیت دوم که تولیدمثل مقتضای اطلاق عقد نکاح دانسته شده است نیز ساکت گذاشتن شرط فرزندآوری ضمن عقد و عدم اشتراط آن به منزله تصریح حین عقد بوده و در فرض استتکاف یکی از طرفین الزام به فرزندآوری از جانب طرف دیگر مشروع است؛ لکن چنانچه یکی از آنها عدم فرزندآوری را ضمن عقد شرط کند، عقد صحیح و شرط لازم الاتباع خواهد بود.

برخی محققان مدعی شده‌اند فقها در اینکه فرزندآوری مقتضای ذات عقد نیست اختلافی ندارند (محقق داماد، ۱۳۸۹)؛ اما در کاوش کتب فقهی آرای مخالف این ادعا به چشم می‌خورد. برای نمونه صاحب ریاض می‌گوید: حصول تناسل موقوف بر وطی از اهم مقتضیات عقد نکاح است (بی‌تا، ج ۲، ص ۱۴۷). حقوق دانی نیز بدون ذکر مرجع، نظر مشهور فقها را «اساس نکاح بر تناسل است» می‌داند و نقل بی‌حاشیه و بدون نقد نشان از موافقت وی دارد (طاهری، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۲۳۶) و ظاهر عبارات مذکور، دخالت استیلا در ماهیت عقد از نظر قائلین است. در المیزان آمده است: تنها هدف نکاح بقای نوع بشر و فرزندآوری است و سایر اغراض و اهداف ذکرشده همچون اطفای شهوت و اشتراک در زندگی مادی و سایر موارد مشابه خارج از حقیقت ازدواج بوده و مقدمات فرزندآوری یا از جمله فواید نکاح هستند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۱۷۹) و در تجهیز ابنای بشر به خصلت‌های جنسیتی هدفی جز زادوولد و بقای نوع وجود ندارد و بنابراین ازدواج بر این حقیقت بناشده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۷۷). غالب علمای اهل سنت نیز، چون حفظ نسل یکی از پنج مقصد قسم ضروریات دانسته شده است، مقصد اصلی نکاح را حفظ نسل و سایر اغراض را مقاصد تبعی و تکمیل‌کننده مقصد اصلی می‌دانند (غزالی، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۲۴؛ حامد العالم، ۱۴۱۵، ص ۳۰۴).

نکته لازم به توجه دیگر در این مبحث این است که پذیرش هرکدام از آرای یادشده عواقب متعددی خواهد داشت: جواز یا عدم جواز استفاده از طرق کمک باروری، جواز یا عدم جواز عقیم‌سازی، جواز یا عدم جواز استفاده از راه‌های پیشگیری از بارداری، جواز یا عدم جواز سقط جنین، صحت یا بطلان شرط عدم باروری در عقد نکاح، میزان مسئولیت

اشخاص ثالث حقیقی یا حقوقی یا حتی زوج مقابل در فرزندآوری زوجین، اینکه باروری نیازمند اشتراط در عقد است یا عدم باروری و مسائلی از این قبیل. لکن این پژوهش صرفاً در پی تشخیص حق بودن یا نبودن باروری برای زوجین هم به صورت مشترک و هم به صورت مستقل و دایره وسعت آن است.

### ۳. ماهیت فرزندآوری در عبارات فقها

به نظر می‌رسد نخستین متن فقهی مصرح به حق بودن مقوله مذکور کتاب مسالک شهید ثانی است. فقهای متقدم او صرفاً در خصوص حکم عزل، اعم از کراهت (به عنوان نمونه: ابن‌ادریس، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۶۰۷) یا حرمت (به عنوان نمونه: ابن‌حزمه، ۱۴۰۸، ص ۳۱۴)، بحث کرده‌اند و بعضاً به مسئولیت مدنی زوج در صورت عزل یا ضمان ثالثی که فعلی از سوی او موجب عزل مرد در حال نزدیکی با همسرش شده است (سیدمرتضی، ۱۴۱۵، ص ۵۳۳-۵۳۲؛ ابن‌زهره، ۱۴۱۵، ص ۴۱۵) حکم داده‌اند که از عبارات متون، اشعار یا دلالت بر وجود حق و اختیار طرفین یا یکی از دو طرف در خصوص فرزندآوری استنباط می‌شود؛ لکن تصریحی به این حق وجود ندارد، مانند عبارت شیخ مفید که می‌گوید مرد حق عزل ندارد مگر اینکه زوجه راضی به این امر باشد (۱۴۱۳، ص ۵۱۶)<sup>۱</sup> یا عبارت شیخ طوسی که می‌گوید به اجماع فقها و ظهور روایات (۱۳۸۷، ج ۴، ص ۲۶۷) عزل برای مرد جایز نیست مگر با رضایت زن و اگر مرتکب عزل شود گناه کرده است و دیه بر عهده‌اش قرار می‌گیرد (شیخ طوسی، ص ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۳۵۹)<sup>۲</sup>؛ لکن شهید ثانی که استیلا را هدفی می‌داند که تمام غرض شارع از نکاح در آن منحصر نیست (۱۴۱۳، ج ۷، ص ۶۵)<sup>۳</sup> به صراحت آن را حق می‌داند. وی در توضیحات و حواشی حکم محقق حلی در شرایطی که کراهت به صورت عدم اشتراط و عدم اذن، ادله قائلین به حرمت و اخبار استنادی آنان را بررسی کرده و می‌گوید آنچه اخبار در آن ظهور دارند این است که نهی از عزل چه حرمت باشد و چه کراهت، به دلیل حکمت

۱. «لیس لأحد أن يعزل الماء عن زوجة له حرة إلا أن ترضى منه بذلك».

۲. البته وی در کتاب نهایی حکم عزل را کراهت و بدون ضمان دانسته است (شیخ طوسی، ۱۴۰۰، ص ۴۸۲).

۳. «منافاته (عزل) لغرض الشارع ممنوعة، فإن غرضه غير منحصر في الاستيلاء».

استیلاست و نیز اینکه آن حق یعنی حق استیلاست متعلق به زن است (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۷، صص ۶۶-۶۴). از بیان این فقیه چند نکته برداشت می‌شود:

۱. زادآوری را حقی برای زوجه می‌داند که ممانعت زوج از استیفای این حق مرجوح است. به عبارت دیگر اناطه مرجوحیت به عدم اشتراط سابق یا اذن زن، مثبت اختیار زن در خودداری از زادوولد است؛ البته مشروط به رضایت همسر.

۲. کراهت عزل که حکم فعل مرد در صورت عدم رضایت زن است بیانگر اختیار مرد در عزل است ولو اینکه مرجوح شمرده شده است. عبارت اخرای این حکم تکلیف نبودن تولیدمثل برای مرد است.

۳. در یکی از دو روی تعارض خواست و اختیار زوجین، یعنی تمایل زن به فرزندآوری و تمایل نداشتن مرد بدان، زوج و خواست او مقدم شمرده شده است؛ زیرا مخالفت مرد با تمایل به فرزندآوری از سوی زن و عزل، در صورت عدم موافقت زن با عزل، محکوم به کراهت ولی جایز است. در خصوص روی دیگر این تعارض یعنی تمایل مرد به فرزندآوری و تمایل نداشتن زن بدان، حکمی در این عبارت بیان نشده است. گفتنی است برخی فقها صراحتاً مخالفت زن با خواست مرد را بی‌اثر دانسته‌اند؛ مانند ابن سعید که می‌گوید: برای مرد عزل جایز است، چه زن از این اقدام ناخشنود باشد و چه راضی باشد و عزل موجب دیه هم نیست (۱۴۰۵، ص ۴۵۵).

۴. نتیجه اختیار و آزادی مرد در موضوع بحث، عدم تحقق ضمان بر عهده وی در اثر عزل خواهد بود که در ادامه همان عبارت نیز بدان تصریح شده است: هیچ ضمانتی بر عهده او نیست؛ به دلیل اصالة البرائة و اینکه وقتی قول به کراهت را پذیرفتیم فعل وی جایز بوده است و فعل جایز ضمان ندارد (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۷، ص ۶۵). ابن ادریس هم با استناد به اصالة البرائة همین رأی را برگزیده است (۱۴۱۰، ج ۲، ص ۶۰۷)؛ اما برخی دیگر همچون علامه حلی و محقق حلی علی‌رغم حکم به کراهت قائل به ضمان زوج هستند (علامه حلی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۵؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۲۱۴). مجلسی اول می‌گوید وجوب دیه باعث توهم حرمت نزد برخی فقها شده است که باید گفت منافاتی بین جواز عزل و وجوب دیه نیست (۱۴۰۶، ج ۸، ص ۳۲۸). در مقابل مجلسی دوم، علی‌رغم تحریم قائل به ضمان نیست (۱۴۰۴، ج ۲۰، ص ۳۱۴).

محقق کرکی در سؤال از اینکه نهی از عزل به جهت رعایت حق زن است یا به دلیل حکمت تولیدمثل در ازدواج، قول اول را ارجح و نیز مختار شیخ طوسی در نهاییه (۱۴۰۰، ص. ۴۸۲)، محقق در شرایع (۱۴۰۸، ج ۲، ص. ۲۷۰) و فاضل مقداد (۱۴۰۴، ج ۳، ص. ۲۴) دانسته است (۱۴۱۴، ج ۱۲، صص. ۵۰۵-۵۰۴).

شیخ طوسی عزل را مکروه دانسته است؛ مگر اینکه در هنگام عقد با زن شرط شده یا اینکه مرد از او اذن گرفته باشد (۱۴۰۰، ص. ۴۸۲-۴۸۳). این بیان نشان می‌دهد وی باردار شدن را حق زن می‌داند که مرد برای ممانعت از آن باید اذن زن را داشته باشد؛ لکن همان‌طور که گفته شد حکم به کراهت، در فرض مخالفت زن با عزل، بر ثبوت اختیار برای مرد دلالت دارد. همچنین است ظهور کلام ابن براج (۱۴۰۶، ج ۲، صص. ۲۳۲-۲۳۱)، ابن حمزه طوسی (۱۴۰۸، ص. ۳۱۴) و ابن زهره (۱۴۱۵، ص. ۴۱۵) و بسیاری دیگر (به‌عنوان نمونه: محقق حلی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص. ۳۵۴؛ فاضل آبی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص. ۱۰۷).

برخی از فقها به بیانات و ادله متفاوت، مرد را در انتخاب فرزنددار شدن یا نشدن مختار می‌دانند (فاضل آبی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص. ۱۰۷) و اشاره‌ای به استحقاق زن ندارند و به ادله‌ای مانند روایت: «منی متعلق به مرد است، هر جا می‌خواهد تخلیه کند» استناد می‌کنند.<sup>۱</sup>

صاحب جواهر در بحث از نهی عزل و دلالت این نهی بر حرمت یا کراهت، استیلا را حق زوجه دانسته و می‌گوید در جامع المقاصد هم بدان تصریح شده است (۱۴۰۴، ج ۲۹، ص. ۱۱۳). البته برخی دیگر از عبارات جواهر نشان می‌دهد وی این حق را برای هم‌زوج و هم‌زوجه قائل است (۱۴۰۴، ج ۲۹، صص. ۱۱۵-۱۱۱، ج ۳۰، ص. ۳۸۳)؛ ولی در تعارض حق و خواسته این دو، مطلقاً خواست زوج را مقدم می‌دارد و می‌نویسد: در این اختلاف که عزل بر زن هم حرام است یا خیر معتقدم اگر منظور از عزل زن منع مرد از انزال در فرجش باشد، تأمل در حرمت آن جایز نیست (۱۴۰۴، ج ۲۹، ص. ۱۱۵). توضیح این بیان این است که اگر زن خواستار پیشگیری از بارداری و مرد طالب فرزند بود، ممانعت زن از بارداری ممنوع و اراده مرد در بهره‌برداری از این حقش مقدم است. درحالی که عزل مرد بدون اذن زن یا اشتراط بر

۱. «عن محمد بن مسلم أنه سأل أبا جعفر عليه السلام، عن العزل؟ فقال: ذاك إلى الرجل يصرفه حيث شاء» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص. ۵۰۴).

او در حین عقد، حتی در صورت تمایل وی به عزل و پیشگیری از بارداری را مکروه شمرده است (۱۴۰۴، ج ۲۹، ص ۱۱۳). به عبارت دیگر، در این فتوا برای خواست زن هیچ جایگاهی در نظر گرفته نشده است.

اما مستفاد از حکم به حرمت عزل که برخی فقها آن را برگزیده‌اند، مقدم داشتن حق و خواست آن طرفی است که تمایل به فرزندآوری دارد، چه زوج باشد و چه زوجه: اگر زوج مایل به عزل و زوجه مایل به بارداری باشد، درخواست زوجه مقدم بوده و زوج حق عزل ندارد و تکلیفاً بر وی حرام است. اگر مرد تمایل به ایجاد نطفه داشته باشد ولی زوجه مایل به پیشگیری از بارداری باشد، خواست وی هیچ جایگاهی ندارد و زوج به خواست خود جامه عمل می‌پوشاند. در واقع باید گفت در این حکم تولیدمثل و فرزندآوری ملاک حکم قرار گرفته است نه خواست زوجین و لذا استنباط تکلیف بودن زادآوری از این فتوا، به‌ضمیمه ادله دیگر، بعید نیست و در لسان ایشان هم اشاره‌ای به حق زوجه وجود ندارد. یکی از فقها علی‌رغم اینکه عزل بدون رضا و شرط زن را سبب تضييع حقوق زن در فرزندآوری و لذت می‌داند، باز هم به کراهت (جواز بالمعنی العام) این فعل و البته وجوب ديه فتوا می‌دهد (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۷، ص ۲۶۹).

در میان مفتیان اهل سنت، ابن قیم پس از بررسی اخبار مرتبط با عزل نوشته است: «کسی که عزل را با اذن زوجه جایز می‌داند، بر این اعتقاد است که برای زوجه حق در فرزند است همان گونه که برای زوج چنین حقی هست» (ابن قیم، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۱۲۸، ۱۳۲). مشابه این عبارت در متون دیگر هم به چشم می‌خورد که دلالت دارد بر اینکه از نظر ایشان وجود حق زادوولد برای زوج قطعی است و وجود این حق برای زوجه محل بحث است که از لزوم یا عدم لزوم اذن زوجه در عزل مبین می‌شود (هیئة كبار العلماء بالمملكة العربية السعودية، ۱۴۳۲، ج ۳، ص ۱).

غزالی در برشماری فواید نکاح، فرزند را اصل نکاح دانسته و می‌گوید جعل نکاح به هدف تولیدمثل بوده است (۱۴۲۵، ج ۲، ص ۲۴)؛<sup>۱</sup> اما در عین حال حکم به اباحه عزل می‌کند. این اباحه در صورت وجود مقاصد و نیاتی که وی آن‌ها را عبث می‌شمارد تبدیل به کراهت

۱. «الفائدة الأولى الولد وهو الأصل وله وضع النكاح».

می‌شود (۱۴۲۵، ج ۲، صص. ۵۲-۵۱).<sup>۱</sup> از این عبارات چنین برمی‌آید که وی فرزندآوری را تکلیف زوجین نمی‌داند؛ بلکه خودداری از تولیدمثل را مکروه شمرده است و برای ایشان حقی قائل است که به استناد آن می‌توانند در صورت تمایل از فرزندآوری امتناع کرده یا اقدام به زادوولد کنند. جمع این دو مطلب که وی هدف نکاح را توالد می‌داند و به اختیار در عزل حکم می‌دهد، جای تأمل دارد. فقهای متأخر اهل سنت نیز این حق را برای هر دو طرف لحاظ می‌کنند و در نتیجه آن به جواز استفاده زوج از طرق پیشگیری از بارداری (منوط به رضایت زوج) فتوا داده‌اند (عثمین، ۱۴۲۷، ص. ۷). این فتوا به صراحت حق زوج را مقدم می‌دارد.

مجمع فقه اسلامی در چهارمین نشست<sup>۲</sup> در خصوص حدود اختیارات زوجین در زادوولد مقرر کرد: «نخست تصویب قانونی که آزادی زوجین را در زادوولد محدود کند، جایز نیست. دوم عقیم‌سازی زنان و مردان جایز نیست؛ زیرا با معیارهای شرعی در تعارض است. سوم جلوگیری موقت از بارداری برای فاصله‌گذاری مولید یا وقفه کوتاه با لحاظ شرایطی چون وجود نیاز معتبر شرعی، رضایت طرفین، عدم ترتب ضرر، مشروع بودن روش آن و نبود ظلم و عدوان نسبت به حمل جایز است» (جمل، ۱۴۳۰، ص. ۱۰۸-۱۰۷). از بیان این مقرر نکات زیر برداشت می‌شود:

۱. به تصریح بند نخست استیلا در حق زوجین است؛ لکن عبارت مذکور در اینکه آیا این یک حق جمعی است و در نتیجه آن لزوماً هر دو طرف باید از آن بهره‌برداری یا امتناع کنند و خواست یک نفر در حکم عدم است یا یک حق شخصی برای هریک از زوجین به صورت خاص است، ابهام دارد. همچنین تکلیف تعارض خواست هریک از زوج یا زوج با خواست طرف دیگر نامعلوم است. در واقع این

۱. غزالی اغراض موجه منجر به اباحه عزل را چنین برمی‌شمارد: ترس از تنگ‌دستی به سبب کثرت فرزند، به سختی افتادن به جهت تربیت، مشقت برای تهیه اسباب معیشتی فرزندان متعدد، ممانعت زن از بارداری به دلایل پذیرفتنی همچون بقای سلامت زنی که از خطرات زایمان ترس دارد، بقای زیبایی زن به جهت دوام تمتعات و مسائل مشابه؛ ولی نیت فاسد و مستند به دلایل نپذیرفتنی همچون ترس از داشتن فرزند دختری یا زیاده‌روی زن در نظافت و دوری جستن وی از زایمان و نفاس و رضاع را از اسباب کراهت عزل برشمرده است.

عبارت صرفاً به وجود این حق برای نهاد خانواده تصریح کرده و هیچ اشاره‌ای به وضعیت و خواست اشخاص این نهاد ندارد.

۲. همچنین بند اول متعلق آزادی را صرفاً زادوولد اعلام کرده است، نه عدم آن. به عبارت دیگر، به مقتضای این عبارت هرگاه زوجین تصمیم به تولیدمثل گرفتند، نباید مانعی برایشان وجود داشته باشد؛ اما تکلیف تصمیم ایشان بر پیشگیری از زادوولد در این بند مشخص نشده و در دو بند دیگر بحث شده است.

۳. مطابق بند دوم زادآوری علاوه بر حق بودن برای طرفین یا هر یک از دو طرف، تکلیف نیز هست. به بیان دیگر افراد فقط حق فرزندآوردن دارند نه اینکه حق فرزند نیاوردن داشته باشند و زادوولد حقی است که اجباراً باید استفاده شود و کسی نمی‌تواند از آن صرف نظر کند.

در میان فقهای متأخر، امام خمینی تصریحی بر تبیین ماهیت این حق ندارد؛ لکن در فتاوا و برخی استفتائات، احکامی در آثار این حق بیان کرده است که تشخیص اعتقاد فقهی وی را میسر می‌کند:

۱. وی افراد را در استفاده از برخی روش‌های کمک باروری آزاد و مختار می‌داند (۱۳۷۹، ج ۱ و ۲، صص. ۹۸۹-۹۸۸). این حکم دال بر این است که وی برای اشخاص حق زادآوری قائل است و در نتیجه داشتن این حق، ایشان می‌توانند در صورت عدم امکان بهره‌برداری از آن به روال طبیعی، از طرق کمک باروری استعانت گیرند.

۲. نظر وی در جنبه دیگر بحث یعنی آزاد بودن افراد در خودداری از فرزندآوری نیز عدم حرمت عزل است و می‌نویسد: در خصوص عزل از زوجه دائمه بدون اذن او دو قول وجود دارد که مشهورترین آن جواز به همراه کراهت است و قول اقوی است (۱۳۷۹، ج ۱ و ۲، ص. ۶۹۸). ایشان برای زوجه نیز جلوگیری از انعقاد نطفه در صورت رضایت زوج را جایز می‌داند (۱۳۹۲، ج ۸، صص. ۴۴۴). با این اشتراط به نظر می‌رسد امام خمینی در تعارض حق زوج و حق زوجه در فرزندآوری، زوج را مقدم داشته است؛ چه اینکه تمایل زن به امتناع از بارداری در صورت موافقت شوهر می‌تواند جامعه عمل پیوشد، درحالی که مطابق سطور قبل، مرد برای امتناع از تولیدمثل نیازی به موافقت زوجه ندارد.

۳. امام خمینی عقیم‌سازی را جایز نمی‌داند (۱۳۹۲، ج ۸، ص. ۴۲۸).

بنا بر مطالب پیش گفته مجموع فتاوی فقها این گونه دسته‌بندی می‌شود:

۱. عزل بدون اذن زوجه حرام و دیه بر عهده زوج ثابت است.

۲. عزل بدون اذن زوجه حرام است؛ ولی دیه‌ای تعلق نمی‌گیرد.

۳. عزل بدون اذن مکروه و دیه بر عهده زوج ثابت است.

۴. عزل بدون اذن مکروه است؛ ولی دیه‌ای تعلق نمی‌گیرد.

۵. عزل جایز است و دیه تعلق نمی‌گیرد.

۶. عزل جایز است؛ ولی دیه تعلق می‌گیرد.

تفصیل هر قول و احکام مستنبط از آن و نیز قائلین به هریک در سطور سابق اشاره شد؛ اما قول مشهور، اباحت عزل با اذن زن و کراهت بدون آن است. در نتیجه مرد در خصوص زادآوری یا عدم آن مخیر و قادر به انتخاب است؛ اما زن صرفاً در صورت موافقت خواست شوهر با خواست خود، حق تصمیم‌گیری دارد و الا خواست و تصمیم مرد مقدم است. وی نمی‌تواند بدون موافقت همسرش مانع ایجاد نطفه شود و تمایلش به بارداری هم در سایه خواست زوج جامعه عمل می‌پوشد و مرد می‌تواند بی‌توجه به خواست زوجه عزل نماید و حداکثر مرتکب فعل مکروه شده است.

تشیت آرای فقها در موضوع بحث، بررسی ادله احکام صادره از سوی ایشان را ضروری می‌نماید.

#### ۴. حق باروری در متون دینی

##### ۴-۱. قرآن

در قرآن کریم هیچ آیه‌ای در جایگاه اثبات تکلیفی برای افراد یا زوجین در مقوله زادوولد وجود ندارد. به جز آیه ۲۲۳ سوره مبارکه بقره: «نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» که طباطبایی در تفسیر آیه احتمالی را مطرح می‌کند که خود وی هم آن را بعید می‌شمارد؛ اما از جهت احتمال بودن نباید از نظر دور بماند. وی می‌گوید امر در این آیه دال بر واجب کفائی بودن ازدواج و تولیدمثل است، مانند تمام واجبات کفائی که حیات نوع انسان بدان وابسته است (۱۴۱۷،

ج ۲، ص. ۲۱۱).



در مقابل آیات متعددی برای اثبات حق بودن تولیدمثل مورد استناد قرار گرفته است: آیات ۱۷۸، ۲۲۲ و ۲۲۳ سوره بقره، آیه ۱ سوره نساء، آیه ۲۱ سوره روم، آیه ۵۴ سوره فرقان، آیه ۷۲ سوره نحل، آیات ۱۱ و ۴۹ و ۵۰ سوره شوری، آیه ۶ سوره اسراء، آیه ۴۶ سوره کهف و... که در دلالت غالب آنها اختلاف وجود دارد<sup>۱</sup> و به نظر می‌رسد تنها آیه اثبات کننده حق تولیدمثل آیه ۲۳۳ بقره است. چند استدلال بر اینکه آیه حق بودن تولیدمثل را اثبات می‌کند، اقامه شده است (ر.ک. به: مؤمن قمی، ۱۳۸۵، صص. ۱۲۶-۱۲۲؛ رضوی، ۱۴۳۱، صص. ۱۵۵-۱۵۲). از جمله استدلال‌های یادشده این است که حرث به معنای کشتزار بوده و تملک و سلطه را می‌رساند؛ مانند مزرعه‌داری که هرگاه بخواهد می‌تواند در مزرعه خود بذر بپاشد. چنان که برخی مفسرین از آن به «اتیان فرج من حیث شئت» تعبیر کرده‌اند (فراء، ۱۹۸۰، ج ۱، صص. ۱۴۴-۱۴۳). وقتی همسر کشتزار و جایگاه کشت برای شوهر و در اختیار او باشد، معنایش جز این نیست که کاشت در این مزرعه به دست اوست؛ بنابراین این حق شوهر است و هیچ کس حق ندارد او را از آن بازدارد (مؤمن قمی، ۱۳۸۵، صص. ۱۲۲-۱۲۳). برخی نیز امر در «قَدَمُوا لَأَنْفُسِكُمْ» را اشاره به این مطلب دانسته‌اند که هدف نهایی از نزدیکی صرفاً لذت جنسی نیست، بلکه بر مؤمنین واجب است که آن را ثمربخش نمایند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص. ۱۳۳).

یکی از محققین از این آیه علاوه بر حق زوج، حق باروری زوجه را نیز استنباط کرده است. وی می‌گوید: «اینکه همسران شما کشتزارهای شما هستند منافاتی ندارد با آنکه بهره‌گیری از این کشتزارها مشروط به رضایت و اجازه شخص دیگری باشد. بر این اساس، همسر می‌تواند شوهرش را از تقاضای فرزند منع کند؛ یعنی خواسته شوهر مشروط به رضایت همسرش باشد» (مؤمن قمی، ۱۳۸۵، صص. ۱۲۴-۱۲۳)؛ اما شبیری زنجانی می‌گوید: در «إِنِّي سَتِّمُّ» این جواز از جمله حقوق شوهر است و مشروط به رضایت زوجه نیست (۱۴۱۹، ج ۴، ص. ۱۴۴).

باید گفت برداشت حق باروری زوج از این آیه صواب است؛ اما دلالت آن بر حق زوجه چندان واضح نیست و نیازمند قرائنی است که به نظر می‌رسد آیه خالی از چنین قرائنی باشد.

۱. برای اطلاع از نحوه استدلال و اشکالات وارده ر.ک. به: قاننی و معینی فر، ۱۳۹۳.

## ۲-۴. روایات

روایات در این باب متعددند که تبیین آنها نیازمند بررسی سندی و دلالتی است و به دودسته کلی روایات باب عزل و روایات باب عیوب موجب فسخ نکاح تقسیم می‌شوند. روایات باب عزل هشت مورد است. در کافی چهار حدیث ذیل عنوان باب‌العزل آمده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۰۴). شیخ صدوق یک روایت در باب «ما احلّ الله عزوجل من النکاح و ما حرم منه» و یک روایت هم در باب عزل آورده است (۱۴۱۳، ج ۳، صص ۴۰۷، ۴۴۳). در تهذیب الاحکام و استبصار نیز روایاتی آمده است:

۱. عبدالرحمن می‌گوید از امام صادق علیه‌السلام درباره عزل سؤال کردم امام فرمود مرد در این امر مختار است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۰۴؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، صص ۴۱۷ - ۴۱۶). ۱. مجلسی دوم این حدیث را موثق می‌شمارد (۱۴۰۴، ج ۲۰، ص ۳۱۴).

۲. امام باقر علیه‌السلام فرمود: عزل از زن آزاد اشکالی ندارد چه زن موافق این عمل باشد چه مخالف آن و زن حقی در این موضوع ندارد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۰۴؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۴۱۷). ۲. مجلسی دوم این حدیث را موثق می‌داند (۱۴۰۴، ج ۲۰، ص ۳۱۵).

۳. محمدبن مسلم می‌گوید از امام صادق علیه‌السلام درباره عزل سؤال کردم، فرمود: اختیار این امر با مرد است که هرگونه می‌خواهد عمل کند؛ یعنی در خصوص محل تخلیه منی آزاد است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۰۴). ۳. شیخ صدوق این روایت را بدون سند و با اندک تفاوتی در متن نقل کرده است: محمدبن مسلم از امام درباره عزل سؤال کرد امام فرمود منی متعلق به مرد است هرگونه می‌خواهد عمل کند (۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۳۲). ۴.

۱. «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ ابْنِ بَكْرِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ <sup>(ع)</sup> عَنِ الْعَزْلِ فَقَالَ ذَاكَ إِلَى الرَّجُلِ».

۲. «أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَاصِمِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ فَضَالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَمِّهِ يَعْقُوبَ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ <sup>(ع)</sup> قَالَ: لَا بَأْسَ بِالْعَزْلِ عَنِ الْمَرْأَةِ الْحُرَّةِ إِنْ أَحَبَّ صَاحِبُهَا وَإِنْ كَرِهَتْ لَيْسَ لَهَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ».

۳. «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ <sup>(ع)</sup> عَنِ الْعَزْلِ فَقَالَ ذَاكَ إِلَى الرَّجُلِ يَصْرِفُهُ حَيْثُ شَاءَ».

۴. «سَأَلَ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ أَبَا جَعْفَرٍ <sup>(ع)</sup> عَنِ الْعَزْلِ قَالَ الْمَاءُ لِلرَّجُلِ يَصْرِفُهُ حَيْثُ يَشَاءُ».

هر دو مجلسی این حدیث را صحیح و اولی دال بر جواز عزل به طور مطلق (از کنیز و آزاد و...) دانسته است (مجلسی اول، ۱۴۰۶، ج ۸، ص ۳۲۵؛ مجلسی دوم، ۱۴۰۴، ج ۲۰، ص ۳۱۵).

۴. امام صادق علیه السلام فرمود حضرت علی بن الحسین علیه السلام مانعی برای عزل نمی دید و آیه ۱۷۱ اعراف را تلاوت می فرمود (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۰۴).<sup>۱</sup> مجلسی دوم با تصحیح عبدالرحمن به ابی عبدالرحمن، سند این روایت را صحیح می داند (مجلسی دوم، ۱۴۰۴، ج ۲۰، ص ۳۱۵).

۵. امام باقر یا امام صادق علیه السلام در پاسخ سؤالی در مورد عزل فرمود: عزل از کنیز اشکالی ندارد؛ اما در مورد زن آزاد من این عمل را ناپسند می دانم، مگر اینکه در زمان عقد با او شرط شده باشد (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۴۱۷).<sup>۲</sup> هر دو مجلسی این روایت را صحیح شمرده اند (مجلسی اول، ۱۴۰۶، ج ۸، ص ۳۲۶؛ مجلسی دوم، ۱۴۰۶، ج ۱۲، ص ۳۶۴). واضح است که کراهت داشتن امام از عملی، دلالتی بر ممنوعیت آن نخواهد داشت و به عکس مثبت جواز فعل است.

۶. محمد بن مسلم همین حدیث را از امام محمد باقر علیه السلام نقل کرده و گفته است: مگر اینکه زن راضی باشد یا حین عقد ازدواج با او شرط شده باشد (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، صص ۴۱۸-۴۱۷).<sup>۳</sup>

۷. محمد بن مسلم می گوید: به امام باقر علیه السلام گفتم مردی از همسر آزادش عزل می کند حکمش چیست؟ امام فرمود: این امر مربوط به خود اوست و در عزل و

۱. «أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْحَدَّاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (ع) لَا يَرَى بِالْعَزْلِ بَأْسًا فَقَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ - وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأُتْسِهَدَتْهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ فَكُلُّ شَيْءٍ أَخَذَ اللَّهُ مِنْهُ الْمِيثَاقَ فَهُوَ خَارِجٌ وَإِنْ كَانَ عَلَىٰ صَخْرَةٍ صَمَاءً».

۲. «الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا (ع) أَنَّهُ سَبَّلَ عَنِ الْعَزْلِ فَقَالَ أَمَّا الْأُمَّةُ فَلَا بَأْسَ وَأَمَّا الْحُرَّةُ فَإِنِّي أَكْرَهُ ذَلِكَ إِلَّا أَنْ يَشْتَرَطَ عَلَيْهَا حِينَ يَتَزَوَّجُهَا».

۳. «عَنْهُ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) مِثْلَ ذَلِكَ وَقَالَ فِي حَدِيثِهِ إِلَّا أَنْ تَرْضَىٰ أَوْ أَنْ يَشْتَرَطَ ذَلِكَ عَلَيْهَا حِينَ يَتَزَوَّجُهَا».

عدم عزل مختار است (شیخ طوسی، ب ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۴۶۱).<sup>۱</sup> مجلسی دوم این روایت را ضعیف می‌داند (۱۴۰۶، ج ۱۲، ص ۴۵۸).

۸. یعقوب جعفری می‌گوید از ابالحسن علیه‌السلام شنیدم که فرمود: عزل در شش موضع اشکالی ندارد: زن نازا، پیرزن، زنی که به طفلش شیر نمی‌دهد و کنیز (شیخ طوسی، ب ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۴۹۱).<sup>۲</sup> این روایت ممکن است با تکلف، ممنوعیت عزل را برساند؛ اما ضعف سندش (مجلسی اول، ۱۴۰۶، ج ۸، ص ۳۸۱؛ مجلسی دوم، ۱۴۰۶، ج ۱۲، ص ۵۱۶) مانع از توان معارضه و مقابله آن با احادیث معتبر پیش گفته خواهد بود. البته تک‌تک روایات معتبر نیز نیازمند بررسی دقیق سندی و دلالتی هستند؛ اما اجمالاً روشن است که ظهور آن‌ها در حق دانستن فرزندآوری برای مرد و عدم آن برای زن یا حداقل عدم دلالت بر حق بودن یا نبودن فرزندآوری برای زن است.

دسته دوم روایات دال بر جواز فسخ نکاح از سوی هریک از زوجین در فرض وجود برخی از عیوب به‌ویژه فقدان یا عیب آلت تناسلی است که می‌تواند دلیلی بر اثبات وجود این حق در هریک از زوجین به استقلال باشد؛ البته در صورتی که ثابت شود پیدایش حق فسخ در اثر ناتوانی فرد معیوب از فرزندآوری و در نتیجه در تعارض با حق زادآوری طرف مقابل، چه زن و چه مرد، است نه ناتوانی از نزدیکی و کنش و واکنش جنسی. اثبات این مقدمه و در نتیجه نیل به تالی بسیار مشکل است؛ زیرا گذاری به مباحث «موجبات فسخ نکاح»، بیانگر عدم برشماری «عقیم بودن» یا ناتوانی از فرزند دار شدن در زمره موجبات فسخ است. محقق کرکی مدعی اجماع فقها بر موجب فسخ نکاح نبودن ناتوانی یکی از زوجین در امر فرزندآوری است (۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۲۳۴).

همچنین نهی از عقیم‌سازی که به ضیق دایره این حق منجر می‌شود و سایر موارد متفرع بر این بحث که در ابتدای تحقیق بدان اشاره شد، نیازمند بررسی و سنجش در بوته نقد و موکول به پژوهشی دیگر است.

۱. «الْبُرَيْقِيُّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ (ع) الرَّجُلُ تَكُونُ تَحْتَهُ الْحُرَّةُ يَغْرُلُ عَنْهَا قَالَ ذَلِكَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ عَزَلٌ وَإِنْ لَمْ يَشَأْ لَمْ يَغْرُلْ».

۲. «رَوَى الْقَاسِمُ بْنُ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ زَائِدٍ عَنْ يَعْقُوبَ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ (ع) يَقُولُ لَا بَأْسَ بِالْعَزَلِ فِي سِتَّةٍ وَجُوهِ الْمَرْأَةِ الَّتِي أَيْقَنْتْ أَنَّهَا لَا تَلِدُ وَالْمَسِنَّةَ وَالْمَرْأَةَ السَّلْبِيَّةَ وَالْبُذِيَّةَ وَالْمَرْأَةَ الَّتِي لَا تُرْضِعُ وَلَدَهَا وَالْأَمَةَ».

### نتیجه‌گیری

۱. «فرزند داشتن» یکی از حقوق طبیعی بشر است. در لسان برخی فقها نیز تولیدمثل حقی دانسته شده که طرفین عقد ازدواج باید امکان بهره‌گیری از آن را داشته باشند و نمی‌توان آن‌ها را منع کرد؛ اما به سایر جوانب و آثار حق بودن این مقوله چندان توجهی نشده است؛ لذا برخی احکام صادره در منافات با حق تلقی شدن فرزندآوری قرار می‌گیرند. چنان‌که نهی از عزل یا عقیم‌سازی در این فرض موجه نیست؛ بنابراین ماهیت فرزندآوری همچنان مبهم است و شاید بهتر باشد مانند حضانت یا ولایت بر فرزند، برای فرزندآوری نیز ماهیتی دوگانه تصویر کرد.

۲. برخی از فقها زادآوری را حق زن گفته‌اند؛ اما عدم پابندی ایشان به لوازم آن و ترجیح خواست مرد در تعارض خواست زوجین، بیان اولی ایشان را مخدوش می‌کند. عبارات بسیاری از فقها مانند امام خمینی نیز حداکثر مشعر به اختیار زوج در این خصوص است و درباره حق زوجه ساکت‌اند و حتی در فرض تسلیم، چنان‌که گفته شد، در تراحم حقیق تصریح به تقدم خواست مرد دارند. لسان ادله و متون دینی نیز علی‌الظاهر فرزند داشتن را حقی برای مرد می‌دانند و برخی به تبع این حق، اختیار پیشگیری از فرزندآوری را به او اعطا کرده‌اند که درباره مطلق یا مقید و محدود بودن این اختیار هم اختلاف جدی وجود دارد؛ بنابراین استنباط حق بودن زادآوری برای زوجه یا تسلیم به لوازم آن از عبارات و ادله مورد استناد ایشان ممکن نیست که این نتیجه ظاهراً با «حقوق طبیعی دانستن» فرزندآوری در تنافی و نیازمند بازنگری است.

۳. در خصوص ادله اثبات حق فسخ برای هر یک از طرفین در صورت ناتوانی جنسی طرف مقابل، اگر این حق معلول ناتوانی فرد معیوب از فرزندآوری باشد، می‌تواند دلیلی بر اثبات دارا بودن حق فرزندآوری در زوج و زوجه تلقی شود؛ لکن عدم موجبت عقیم‌بودن برای حق فسخ، اشکالی جدی بر این استدلال به شمار می‌رود و قویاً محتمل است که حق فسخ ناشی از ناتوانی جنسی معلول معارضه آن با حق لذت جنسی باشد.

## ملاحظات اخلاقی

- حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.
- مشارکت نویسندگان: نویسنده به‌تنهایی تمام مقاله را نوشته است.
- تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسنده در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.
- تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسنده حق کپی‌رایت رعایت شده است.

## منابع

- آخوند خراسانی، سید محمدکاظم (۱۴۰۶ ق). حاشیه‌المکاسب. تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- ابن‌ادریس، محمد بن منصور (۱۴۱۰ ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۳ جلدی.
- ابن‌حمزه، محمد بن علی (۱۴۰۸ ق). الوسيلة الى نيل الفضيلة. قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- ابن‌زهره، حمزة بن علی (۱۴۱۵ ق). غنية النزوع إلى علمی الأصول و الفروع. قم: مؤسسه امام صادق علیه‌السلام.
- ابن‌سعید، یحیی بن احمد (۱۴۰۵ ق). الجامع للشرائع. قم: مؤسسه سیدالشهداء العلمية.
- ابن‌براج طرابلسی، قاضی عبدالعزیز (۱۴۰۶ ق). المذهب. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۲ جلدی.
- ابن‌قیم جوزیه، محمد بن ابی‌بکر (۱۴۱۵ ق). زادالمعاد فی هدی خیر العباد. بیروت: مؤسسه الرسالة، کویت: مکتبه المنار الإسلامية، ۵ جلدی.
- اصفهانی کمپانی، محمدحسین (۱۴۱۸ ق). حاشیه‌المکاسب. قم: انوار الهدی، ۵ جلدی.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۹). تحریرالوسیله. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۹۲). استفتانات امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۰ جلدی.

- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۴۲۱ ق). کتاب‌البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۵ جلدی.
- تبریزی، جواد (بی تا). استفتائات جدید. قم: بی نا.
- جمل، احمد محمد عبدالعظیم (۱۴۳۰ ق). أمن الأمة من منظور مقاصد الشريعة. مصر: دارالسلام.
- حسینی مراغه‌ای، سید میر عبدالفتاح بن علی (۱۴۱۷ ق). العناوین الفقهیة. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۲ جلدی.
- خوبی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۲ ق). مصباح الفقاهة فی المعاملات. تقریر محمد علی توحیدی، بیروت: بی نا، ۷ جلدی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). لغتنامه دهخدا. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۴ جلدی.
- راسخ، محمد (۱۳۸۱). حق و مصلحت. تهران: طرح نو.
- راسخ، محمد، خداپرست، امیرحسین (۱۳۹۳). حق بر باروری؟ مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی، (۲)۷، ۲۷-۳۵. <http://ijme.tums.ac.ir/article-1-5333-fa.html>
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دارالعلم.
- رضوی، محمد حسن (۱۴۳۱ ق). فقه الطب. تقریر ابیاح محمد السند، قم: فدک.
- زرقاء، مصطفی احمد (۱۳۴۷). الفقه الاسلامی فی ثوبه الجدید. دمشق: دارالفکر زرقاء.
- سید مرتضی، علی بن حسین (۱۴۱۵ ق). الانتصار فی انفرادات الإمامیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- سیفی، غلامعلی (۱۳۸۹). آزادی اراده و سلب توانایی باروری. فصلنامه باروری و ناباروری، ۱۱(۴)، ۳۰۳-۲۹۵. <https://www.jri.ir/documents/fullpaper/fa/442.pdf>
- شبیری زنجانی، سید موسی (۱۴۱۹ ق). کتاب نکاح. قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز، ۲۵ جلدی.
- شریفی، شهرآشوب، علی ناظمی و مهرداد هاشمی (۱۳۸۵). شبیه‌سازی انسان. تهران: آبیژ.

- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ ق). مسالک الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام. قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، ۱۵ جلدی.
- شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه (۱۴۱۳ ق). من لا یحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۴ جلدی.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الامامیه. تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، ۸ جلدی.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰). النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوى. بیروت: دارالکتاب العربی.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (الف ۱۴۰۷). الخلاف. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۶ جلدی.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (ب ۱۴۰۷). تهذیب الاحکام. تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۰ جلدی.
- شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان بغدادی (۱۴۱۳ ق). المقنعه. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- صانعی، یوسف (۱۳۸۷). استفتائات پزشکی. قم: میثم تمار.
- طاهری، حبیب الله (۱۴۱۸ ق). حقوق مدنی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی حائری، علی بن محمد علی بن ابی المعالی (بی تا). ریاض المسائل. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۲۰ جلدی.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ ق). مجمع البحرین. تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۶ جلدی.
- عالم، یوسف حامد (۱۴۱۵ ق). المقاصد العامة للشریعة الاسلامیه. ریاض: دارالعالمیه للکتاب الاسلامی.
- عثیمین، محمد بن صالح (۱۴۲۷ ق). فتاوی نور علی الدرب. عربستان: مؤسسه محمد بن صالح العثیمین.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۰ ق). إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان. قم: دفتر



- انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۲ جلدی.
- غزالی، ابوحامد محمد بن محمد (۱۴۲۵ ق). احياء علوم الدين. قاهره: دارالآفاق العربيه، ۴ جلدی.
- فاضل آبی، حسن بن ابی طالب (۱۴۱۷ ق). كشف الرموز فی شرح مختصر النافع. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۲ جلدی.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله حلی سیوری (۱۴۰۴ ق). التنقيح الرائع لمختصر الشرائع. قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۴ جلدی.
- فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ ق). كشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحكام. قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۱ جلدی.
- فخرالمحققین، محمد بن حسن بن یوسف (۱۳۸۷). ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد. قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۴ جلدی.
- فراء، یحیی بن زیاد (۱۹۸۰). معانی القرآن. مصر: دارالمصریه للتألیف و الترجمة، ۳ جلدی.
- فراهدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ ق). العین. قم: هجرت، ۸ جلدی.
- قاری سید فاطمی، سید محمد، نیکوئی، مجید (۱۳۹۶). حقوق طبیعی و حق طبیعی: تحلیل مفهومی و تکامل تاریخی. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۴۷ (۳)، ۷۶۹-۷۴۷  
<https://doi.org/10.22059/jplsq.2017.213929.1330>
- doi: 20.1001.1.24238120.1396.47.3.10.4
- قائمی، محمد، معینی فر، محدثه (۱۳۹۳). موجه سازی حق تولیدمثل و باروری انسان در قرآن، مجله مطالعات راهبردی زنان، ۱۷ (۶۶)، ۲۴۷-۱۹۵.  
 doi:20.1001.1.20082827.1393.17.66.7.0
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷). فلسفه حقوق. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۸ جلدی.
- مجلسی اول، محمد تقی (۱۴۰۰ ق). یک دوره فقه کامل فارسی، تهران: مؤسسه و انتشارات فراهانی.

- مجلسی اول، محمد تقی (۱۴۰۶ ق). روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه. قم: مؤسسه فرهنگي اسلامي كوشانپور، ۱۴ جلدی.
- مجلسی دوم، محمد باقر (۱۴۰۴ ق). مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول. تهران: دارالکتب الإسلامية، ۲۶ جلدی.
- مجلسی دوم، محمد باقر (۱۴۰۶ ق). ملاذ الاخيار، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۶ جلدی.
- محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ ق). شرائع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام. قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۴ جلدی.
- محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۱۲ ق). نکت النهایة. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۳ جلدی.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۹). شرط فرزندآوری یا عدم آن، فصلنامه فقه پزشکی، ۲(۲)، ۱۱-۲۴. <https://www.sid.ir/paper/195212/fa>
- محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴ ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۳ جلدی.
- مرتضی زبیدی، محمد (۱۴۱۴ ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دارالفکر.
- مصطفوی خراسانی، سید جواد (۱۹۸۸). الکاشف عن الفاظ نهج البلاغه فی شروحه. لندن: تیندال.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۱ ق). الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب، ۲۰ جلدی.
- مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی (۱۴۲۶ ق). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت عليهم السلام. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت عليهم السلام.
- مؤمن قمی، محمد (۱۳۸۵). فقه و احکام پزشکی. ترجمه محمد مهدی بهاروند، قم: اسلامی.
- نائینی، محمد حسین (۱۴۱۸ ق). منیة الطالب. قم: اسلامی.
- نائینی، محمد حسین (۱۴۱۹ ق). اجود التقریرات. قم: مؤسسه صاحب الامر (عج).
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ ق). جواهر الکلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۴۳ جلدی.

- هیئة كبار العلماء بالمملكة العربية السعودية (١٤٣٢ ق). ابحات هیئة كبار العلماء بالمملكة العربية السعودية. ریاض: الرئاسة العامة للبحوث العلمية و الفتاء، الادارة العامة لمراجعة المطبوعات الدينية، ٤ جلدی.
- Akhund Khorasani, S. M. K. (1985). *Hashiya Al Makaseb*. Tehran: Ministry of Islamic Guidance. [In Arabic]
- Allāma Hilli, H. (1989). *Irshad al-Azhan to Ahakm al-Iman*. Qom: Islamic Publications Office of the Qom Seminary Community of Teachers, First Edition, 2 vols. [In Arabic]
- Alam, Y. H. (1994). *The general objectives of Islamic law*. Riyadh: Dar Al-Alamiah for Islamic Books. [In Arabic]
- Dekhoda, A. A. (1994). *Dekhoda dictionary*. Tehran: Publishing and Printing Institute of Tehran University, First Edition, 14 vols. [In Persian]
- Esfahani Company, M. H. (1997). *The margin of Al-Makasab book*. Qom: Anwar Al-Hadi, First Edition, 5 vols. [In Arabic]
- Fazil Abi, H. (1996). *Revealing the symbols in Mukhtasar al-Nafi's explanation (Kashf Alrumuz fi Sharh Mukhtasar Alnafi)*. Qom: Islamic Publications Office of the Qom Seminary Community of Teachers, Third edition, 2 vols. [In Arabic]
- Fakhr Ul-Muhaqqiqin, M. (1967). *Izdah al-Fawaed fi Sharh al-mushaklat alqawaeid*. Qom: Ismailian Institute, First Edition, 4 vols. [In Arabic]
- Fara, Y. (1980). *Ma'ani al-Qur'an*. Egypt: Dar al-Masriyyah for compilation and translation, First Edition, 3 vols. [In Arabic]
- Farahidi, Kh. (1989). *Al-Ain*. Qom: Hijrat, Second edition, 8 vols. [In Arabic]
- Fazil Hindi, M. (1995). *Kashf al-Latham w Al-Abham an Qawaeid*

- Alahkam*. Qom: Al-Nashar al-Islami Institute, First Edition, 11 vols. [In Arabic]
- Fazil Miqdad, M. (1983). *Al-Tanghih Al-raeh Lemokhtasar Al-Sharaeh*. Qom: Ayelah Marashi Najafi Library Publications, First Edition, 4 vols. [In Arabic]
  - First Majlisi, M. T. (1979). *A complete course of Persian jurisprudence*. Tehran: Farahani Institute and Publications, First Edition. [In Persian]
  - First Majlisi, M. T. (1985). *Rawdat al-Muttaqin fi Sharh man la yahadrath al-Faqih*. Qom: Kushanpur Islamic Cultural Institute, Second edition, 14 vols. [In Arabic]
  - Ghazali, A. H. (2004). *Reviving the sciences of religion* ('*Iihyae Ulum al-Din*). Cairo: Dar al-Faq al-Arabiya, 4 vols. [In Arabic]
  - Hosseini Maraghei, S.M. A. (1996). *Al-Anawin al-Fiqhiyyah*. Qom: Islamic Publications Office of the Qom Seminary Society of Teachers, First Edition, 2 vols. [In Arabic]
  - Ibn Baraj Trablousi, Q. A. (1985). *Al-Muhadhab*. Qom: Islamic Publications Office of the Qom Seminary Teachers' Society, 2 vols. [In Arabic]
  - Ibn Hamzah, M. (1987) *Al-Wasila ela Nil Al-Fazilah*. Qom: Publications of Ayatollah Murashi Najafi Library, First Edition. [In Arabic]
  - Ibn Idris, M. (1989). *Al-Sarà er al-Hawi le Tharir Al-Fatawi*. Qom: Islamic Publications Office of Qom Seminary Community of Teachers, Second edition, 3 vols. [In Arabic]
  - Ibn Qayyim Jozieh, M. (1994). *Zad al-Mà ad fi hady khayr aleabad*. Beirut: Al-Risalah Foundation, Kuwait: Al-Manar Islamic School, Twenty-seventh edition, 5 vols. [In Arabic]
  - Ibn Saeed, Y. (1984). *Aljamie lilsharayie*. Qom: Seyyed al-Shohda Al-Elamiya Institute, First Edition. [In Arabic]

- Ibn Zohre, H. (1994). *Ghunyat alnuzwe' iilay eilmay al usul w alfurue*. Qom: Imam Sadiq Foundation, peace be upon him. [In Arabic]
- Islamic jurisprudence encyclopedia institute. (2005). *Culture of jurisprudence according to the religion of the Ahl al-Bayt*. Qom: Islamic jurisprudence encyclopedia institute on the religion of Ahl al-Bayt, peace be upon them, First edition. [In Persian]
- Jamal, A. (2008). *Amanal umat min manzur maqasid alsharyea*. Egypt: Dar al-Salam. [In Arabic]
- Khoei, A. (1991). *Misbah al-Faqaha fi al-Maamalat*. edited by Mohammad Ali Tawhidi, Beirut, 7 vols. [In Arabic]
- Katozian, N. (1998). *Philosophy of Law*. Tehran: Publishing Company. [In Persian]
- Khomeini, S.R. (2000). *Kitab al-Bi*. Tehran: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. First Edition, 5 vols. [In Arabic]
- Khomeini, S.R. (2001). *Tahrir al-Wasila*. Tehran: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works [In Arabic]
- Khomeini, S.R. (2012). *Esftataat*. Tehran: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works, 10 vols. [In Persian]
- Kulayni, M. (1986). *Al-Kafi*. Tehran: Dar al-Kutb al-Islamiyya, fourth edition, 8 vols. [In Arabic]
- Makarem Shirazi, N. (2000). *Al amthal fi Tafsir Kitab Allah Al-Monzal*. Qom: Imam Ali Ibn Abi Talib School, First Edition, 20 vols. [In Arabic]
- Mohaghegh Damad, S. M. (2009). The condition of having children or not. *Quarterly Journal of Medical Jurisprudence*, 2(2), 11-24. <https://www.sid.ir/paper/195212/fa>
- Momen Qomi, M. (2006). *Jurisprudence and medical rules*. translated

- by Mohammad Mehdi Behravand, Qom: Islamic. [In Persian]
- Morteza Zubaidi, M. (1989). *Taj al-Arus Men Javaher al-Qamoos*. Beirut: Dar al-Fekr. [In Arabic]
  - Mostafavi Khorasani, S.J. (1988). *Al-Kashif on the words of Nahj al-Balaghah in commentary*. London: Tyndale. [In Arabic]
  - Mufid, M. (1993). *Al-Maqna*. Qom: The Millennium Congress of Sheikh Mufid, may God have mercy on him, First Edition. [In Arabic]
  - Muhaqqiq al-Hilli, J. (1987). *Sharaye al-Esalam fi Masayil Alhalal w Alharam*. Qom: Ismailian Institute, Second edition, 4 vols. [In Arabic]
  - Muhaqqiq al-Hilli, J. (1991). *Nuktat alnihaya*. Qom: Islamic Publications Office of Qom Seminary Society of Teachers, First Edition, 3 vols. [In Arabic]
  - Muhaqqiq Karki, A. (1993). *Jami al-Maqasid fi Sharh al-Qawaeid*. Qom: Al-Al-Bayt, peace be upon him, Second edition, 13 vols. [In Arabic]
  - Naini, M. H. (1997). *Maniyat al-Talib*. Qom: Islamic. [In Arabic]
  - Naini, M. H. (1998). *Ajvad al-Taqreirat*. Qom: Sahib Al-Amr Institute (AJ). [In Arabic]
  - Najafi, M. H. (1983). *Javaher al-Kalam*. Beirut: Dar Ehiya al-Trath al-Arabi, Seventh edition, 43 vols. [In Arabic]
  - Qaini, M., Moinifar, M. (2013). justifying the right of human reproduction and fertility in the Qur'an. *Journal of Strategic Studies of Women*, 17(66).195-254. dor: 20.1001.1.20082827.1393.17.66.7.0
  - Qari Seyed Fatemi, S. M. & Nikouei, M. (2016). Natural Law and Natural Rights: Conceptual Analysis and Historical Evolution. *Public Law Studies Quarterly*, 47(3). 747-769. <https://doi.org/10.22059/jplsq.2017.213929.1330> dor:20.1001.1.24238120.1396.47.3.10.4

- 
- Raghīb Isfahani, H. (1991). *Al-Mufradat fī Gharīb al-Quran*. Beirut: Dar al-Elam, First Edition. [In Arabic]
  - Rasekh, M. & KHodaparast A. (2014). Is There A Right to Reproduction? IJMEHM, 7 (2), 27-35. <http://ijme.tums.ac.ir/article-1-5333-fa.html>
  - Rasekh, M. (2002). *Right and Expediency*. Tehran: New Design, First Edition. [In Persian]
  - Rzavi, M. H. (2009). *Jurisprudence of medicine*. Research report by Mohammad al-Sanad, Qom: Fadak. [In Arabic]
  - Second Majlisi, M. B. (1983). *Mirror of minds in explaining the news of the Prophet's family (Merat al-Aqool fī Sharh Akhbar Al-Al-Rasoul)*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, 26 vols. [In Arabic]
  - Second Majlisi, M. B. (1985). *Molaz Al-Akhyar*. Qom: Publications of Ayatollah Marashi-Najafi Library, First Edition, 16 vols. [In Arabic]
  - Shahid Thani, Z. (1992). *Masalek al-Afham al-Tankih Sharae al-Islam*. Qom: Al-Maarif al-Islamiyya Institute, First Edition, 15 vols. [In Arabic]
  - Sharifi, Sh., Nazimi, A. & Hashemi, M. (2006). *Human Simulation*. Tehran: Aizh. [In Persian]
  - Shobeiri Zanjani, S. M. (1998). *Marriage Book*. Qom: Rai Pardaz Research Institute, First Edition, 25 vols. [In Persian]
  - Saanei, Y. (2008). *Medical Inquiries*. Qom: Meysam Tammar, 12th edition. [In Persian]
  - Seifi, Gh. A. (2009). Freedom and Deprivation with Fertility. *Fertility and Infertility Quarterly*, 11 (4), 295-303. <https://www.jri.ir/documents/fullpaper/fa/442.pdf>
  - Seyed Morteza, A. (1994). *Al-Intisar fī Infardat al-Amamiyyah*. Qom: Islamic Publications Office of the Qom Seminary Society of Teachers, First Edition. [In Arabic]

- Shaykh al-Saduq, M. (1992). *Man la yahduruh al-Faqih*. Qom: Islamic Publications Office of the Qom Seminary Teachers' Society, Second edition, 4 vols. [In Arabic]
- Tabatabaei, M. H. (1996). *Al-Mizan*. Qom: Islamic Publications Office of the Qom Seminary Community of Teachers, Fifth Edition, 20 vols. [In Arabic]
- Tabatabaei Haeri, A. (n.d.). *Riaz al-Masael*. Qom: Al-Al-Bayt Institute, First Edition. [In Arabic]
- Tabrizi, J. (n.d.). *Esfataat Jadid*. Qom, First Edition. [In Persian]
- Taheri, H. (1997). *Civil Law*. Qom: Islamic Publications Office of the Qom Seminary Community of Teachers, Second edition. [In Persian]
- The Council of Senior Scholars in the Kingdom of Saudi Arabia. (2010). *Research by the Council of Senior Scholars in the Kingdom of Saudi Arabia*. Riyadh: General Presidency for Scientific Research and Fatwa, General Administration for Review of Religious Publications, Fourth edition. [In Arabic]
- Toreihi, F. (1995). *Bahrain Complex (Majmae albahrayn)*. Tehran: Mortazavi bookstore, 6 vols. [In Arabic]
- Tousi, M. (1986<sub>a</sub>). *Al-Khalaf*. Qom: Islamic Publications Office of the Qom Seminary Society of Teachers, First Edition, 6 vols. [In Arabic]
- Tousi, M. (1986<sub>b</sub>). *Tahzeeb al-Ahkam*. Tehran: Dar al-Katb al-Islamiyya, Fourth edition, 10 vols. [In Arabic]
- Tousi, M. (1967). *Al-Mabusut fi Fiqh al-Imamiyah*. Tehran: Al-Maktab Al-Mortazawieh for Revival of Al-Jaafari Antiquities, Third edition, 8 vols. [In Arabic]
- Tusi, M. (1979). *Al-Nihaya fi mujarad Alfiqh w alfatawaa*. Beirut: Darul Kitab al-Arabi, Second edition. [In Arabic]



- 
- Uthaymin, M. (2006). *Fatawy nur ealay aldirbi*. Arabia: Mohammad bin Saleh al-Uthaymin Institute. [In Arabic]
- Zarqa, M. A. (1928). *Fiqh al-Islami fi Thawba al-Jadid*. Damascus: Dar al-Fikr Zarqa. [In Arabic]

---

#### COPYRIGHTS

©2023 by the authors. Published by Research Institute of Imam Khomeini and the Islamic Revolution. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

---



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی